

مفهوم و شرایط تحقق اثر مشترک ادبی و هنری در نظام حقوقی ایران و آمریکا

الناز نهاوندی^۱، سعید محسنی^{۲*}، سید محمد مهدی قبولی درافشان^۲

۱. کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

۲. دانشیار گروه حقوق، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۱/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۱۰)

چکیده

آثار ادبی و هنری مشترک که امروزه در جوامع علمی، فرهنگی و هنری به‌ویژه در مجامع دانشگاهی رشد فزاینده داشته است، اهمیت دارد. مسئله مفهوم و شرایط تحقق اثر مشترک در نظام‌های حقوقی مختلف وجوه اشتراک و افتراق دارد. این نوشتار با مطالعه تطبیقی مسئله مزبور در نظام‌های حقوقی ایران و ایالات متحده آمریکا به این نتیجه دست یافته است که اثر مشترک در حقوق ایران صرفاً ناظر به آثاری است که سهم پدیدآورندگان مختلف در اثر تفکیک‌نشده است. حال آنکه در حقوق آمریکا، در موردی که سهم پدیدآورندگان انفکاک‌شده بوده، ولی به یکدیگر وابسته‌اند، نیز تحقق اثر مشترک ممکن است. همین امر موجب تفاوت بنیادین در مصادیق اثر مشترک در دو نظام حقوقی است. در هر حال، در هر دو نظام حقوقی قصد مشارکت در زمان خلق اثر و تحقق عملی مشارکت از شرایط تحقق اثر مشترک است. البته در حقوق آمریکا قصد «شناخته‌شدن به‌عنوان پدیدآورنده مشترک» نیز علاوه بر قصد مشارکت، لازم است.

کلیدواژگان

اثر مشترک، پدیدآورنده، حقوق ادبی و هنری، مالکیت فکری.

* نویسنده مسئول، رایانامه: s-mohseni@um.ac.ir

مقدمه

امروزه آفرینش‌های ادبی و هنری به‌عنوان مصداق مهم مالکیت‌های فکری جایگاهی رفیع در نظام‌های حقوقی و تمدن بشری دارد. گاهی آفرینش آثار مزبور منحصرأ توسط شخص واحد صورت می‌پذیرد و گاهی در اثر همکاری اشخاص متعدد، اثری ادبی و هنری خلق می‌شود. آثار مشترک در زمره آثار اخیر قرار دارد. امروزه با توجه به تخصصی‌شدن دانش و هنر از یک‌سو، و لزوم برقراری ارتباط میان شاخه‌های مختلف، بر عداد آثار مشترک افزوده شده است. در این زمینه، قانون‌گذاران نظام‌های حقوقی مختلف برای آثار ادبی و هنری مشترک مقررات مختلفی وضع کرده‌اند. بدیهی است در فرض آفرینش انفرادی اثر، تعیین حقوق و تکالیف با دشواری مواجه نخواهد بود. لیکن در صورتی که اثری به‌طور مشترک پدید آمده باشد، تعیین حقوق و تکالیف هر یک از پدیدآورندگان و نیز شیوه اعمال حقوق ناشی از آثار مشترک با پیچیدگی‌هایی روبه‌رو خواهد بود. طبیعی است یکی از الزامات اولیه اجرای مقررات مربوط به آثار مشترک، شناسایی دقیق مفهوم اثر مشترک و تمییز آن از سایر مفاهیم مشابه و تبیین دقیق شرایط پیدایش چنین آثاری است. در واقع، باید به این پرسش پاسخ گفت که اثر مشترک چه مفهومی بوده دارد و وجه تمایز آن از مفاهیم مشابهی مانند اثر جمعی و اثر اشتقاقی چیست؟ همان‌طور که باید به این پرسش نیز پاسخ داد که برای تحقق اثر مشترک چه شرایطی باید فراهم شود؟

تعریف اثر مشترک و شرایط تحقق آن در نظام‌های حقوقی مختلف تفاوت‌هایی دارد. در این میان، حقوق آمریکا از ادبیات حقوقی قابل توجهی برخوردار است و از دیرباز رویه قضایی و دکترین حقوقی این کشور به مسئله آثار مشترک توجه ویژه کرده است. در حقوق ایران به‌رغم اینکه در برخی متون قانونی و دکترین حقوقی، از آثار ادبی و علمی مشترک سخن به میان آمده است، لیکن اجرای پژوهش‌های مستقل در زمینه آثار مشترک می‌تواند به غنای ادبیات حقوقی کشور بیفزاید. این جستار برای بررسی موضوع ابتدا به تبیین مفهوم اثر مشترک و تمییز آن از مفاهیم مشابه، سپس، شرایط تحقق اثر مشترک در دو نظام حقوقی ایران و آمریکا را بررسی کنند.

مفهوم اثر مشترک و مقایسه آن با مفاهیم مشابه

برای تبیین اثر مشترک، شایسته است ضمن بررسی مفهوم اثر مشترک، وجوه اشتراک و افتراق آن با مفاهیم مشابه مطالعه شود.

مفهوم اثر مشترک

قانون قدیم کپی‌رایت آمریکا^۱ مصوب ۱۹۰۹، در زمینه تعریف اثر مشترک و قواعد مربوط به آن، سکوت کرده بود. به دنبال این خلأ قانونی، دادگاه‌ها در صدد ایجاد قاعده‌ای به منظور حل اختلافات در بحث اثر مشترک برآمدند.

اولین دعوی مطرح در این زمینه به سال ۱۹۱۵ بازمی‌گردد (Kugele, 1997, p.814). در این پرونده، طرفین که در ساخت یک قطعه اپرا مشارکت داشتند، اختلاف پیدا کردند. دادگاه برای حل اختلاف مزبور، به ناچار به پرونده‌ای استناد کرد که در موضوعی مشابه از دادگاه انگلستان صادر شده بود. در رأی دادگاه انگلستان اثر مشترک، اثری دانسته شده بود که دو یا چند شخص متعهد گردند که اثری را با هم پدید آورند و درباره کلیات و طرح آن توافق کنند (Kugele, 1997, p.814; Cary, 1958, p.90).

بعدها در پرونده‌ای دیگر، دادگاه اثری را مشترک شناخت که پدیدآورنده، قصد باطنی ادغام سهم خود با دیگران را داشته باشد. مطابق با این دیدگاه، مشارکت فیزیکی پدیدآورندگان و قصد دوجانبه و آشکار آنها برای ادغام سهم در حین خلق اثر، اهمیتی نداشت (Cary, 1958, p.92). پس از تصویب قانون کپی‌رایت آمریکا^۲ مصوب ۱۹۷۶، اولین تعریف قانونی اثر مشترک در تاریخ حقوق مالکیت فکری این کشور بیان شد (Lape, 1997, p.43). به موجب ماده ۱۰۱-۱۷ قانون مزبور، «اثر مشترک اثری است که توسط دو یا چند پدیدآورنده آماده شده و مقصود ایشان غیرقابل انفکاک بودن اجزای اثر یا وابسته بودن اجزای مزبور به یکدیگر باشد».

1. Copyright Act 1909
2. United States Copyright Act 1976

در تعریف یادشده عناصر متعددی وجود دارد. در این میان، تأکید شده است که هر بخش باید توسط شخصی پدید آید که بتوان به او پدیدآورنده اطلاق کرد. در زمینه مفهوم «پدیدآورنده» در تعریف یادشده باید گفت در قانون کپی‌رایت آمریکا، تعریفی از پدیدآورنده بیان نشده است. البته به موجب رویه قضایی آمریکا، پدیدآورنده عبارت است از شخصی که با قوای فکری خود، ترتیب یا ترکیب جدیدی را ارائه می‌دهد (Siefarth, 1986, p.36).

از سوی دیگر، قصد مشارکت مدنظر قرار گرفته است. بنابراین، با توجه به لزوم وجود قصد مشترک در تعریف یادشده، رویه قضایی سابق مبنی بر کفایت قصد باطنی یک‌جانبه لغو شد (Perkins Spyke, 1993, p.44).

به علاوه، مطابق با این تعریف، اثری که از بخش‌های انفکاک‌شدنی، اما وابسته به هم تشکیل شده باشد، نیز ممکن است مشمول مفهوم اثر مشترک قرار گیرد. از واژه «وابسته به هم»^۱ در قانون یادشده تعریفی به بیان نشده است. با بررسی لغوی معلوم می‌شود این واژه معادل نوعی از وابستگی دوجانبه توأم با تأثیرپذیری و کنترل متقابل است (Perkins Spyke, 1993, p.32). از نظر حقوقی نیز برخی (Brady, 1989, p.264) معتقدند منظور از این واژه آن است که بخش‌ها در یک مجموعه واحد گرد هم آیند. در این میان، می‌توان از فیلم سینمایی اپرا و موسیقی همراه با شعر^۲ یاد کرد.

در حقوق ایران، ماده ۶ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان سال ۱۳۴۸ اثر مشترک را تعریف کرده است. به موجب این ماده، «اثری که با همکاری دو یا چند پدیدآورنده به وجود آمده باشد و کار آنان جدا و متمایز نباشد، اثر مشترک نامیده می‌شود...».

در این تعریف نیز مشاهده می‌کنیم قانون‌گذار از همکاری دو یا چند پدیدآورنده، سخن گفته است. بنابراین، مشخص است که همکاری هر یک از اشخاص در پیدایش اثر مشترک باید طوری

1. Interdependent
2. Music with lyrics

باشد که عنوان پدیدآورنده برای وی صدق کند. پدیدآورنده نیز از نظر عرفی کسی است که نقش قابل توجهی در خلق اثر داشته باشد.

در زمینه اینکه آیا عنوان پدیدآورنده منحصر به شخص حقیقی است یا اینکه شخص حقوقی نیز می‌تواند از عنوان پدیدآورنده برخوردار شود، باید گفت در حقوق آمریکا عنوان پدیدآورنده به شخص حقوقی نیز اطلاق می‌شود. توضیح اینکه از سویی، تعبیر ماده ۱۰۱-۱۷ قانون کپی‌رایت آمریکا مطلق بوده و پدیدآورنده مقید به شخص حقیقی نشده است. از سوی دیگر، رویه دادگاه‌ها (Gaylord vs. U.S. 2008; Steve Altman Photography vs. U.S. 1989) نیز مؤید این برداشت است.

درباره رویکرد نظام حقوقی ایران در این زمینه، برخی (زرکلام، ۱۳۸۸، ص ۸۸) معتقدند قانون فعلی ایران از این حیث، با راهکار مورد پذیرش در حقوق آمریکا مشابه است. توضیح اینکه بند ۲ ماده ۱۶ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، از تعلق اثر به شخص حقوقی سخن گفته است. به موجب این بند، «... هرگاه اثر متعلق به شخص حقوقی باشد یا حق استفاده از آن به شخص حقوقی واگذار شده باشد». با این حال، این امر، خلاف اصل و استثنائی است (آیتی، ۱۳۷۵، ص ۱۱۸).

البته برخلاف ظاهر بند ۲ ماده ۱۶، به نظر می‌رسد در حقوق ایران، نمی‌توان برای اشخاص حقوقی وصف پدیدآورنده آثار ادبی و هنری قائل شد. زیرا شخص حقوقی وجود اعتباری داشته و فاقد قدرت فکر و اندیشه است و از این نظر، نمی‌توان اوصاف ویژه عالم تکوین را به وی منتسب کرد. البته بدیهی است اشخاص حقوقی نیز مانند اشخاص حقیقی می‌توانند در این زمینه صاحب حق و تکلیف شوند. بنابراین، می‌توان بند دو ماده ۱۶ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان را که از اثر متعلق به شخص حقوقی سخن می‌گوید، ناظر بر جنبه‌های مادی آثار ادبی و هنری دانست (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۲).

در هر حال برای رفع ابهام موصوف، شایسته است قانون‌گذار برای تعیین تکلیف صریح در این زمینه اقدام کند. در این زمینه، در بند ۸ ماده ۱ پیش‌نویس لایحه قانون جامع حمایت از حقوق

مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط (شبیری، ۱۳۸۹، ص ۱۶)، پیشنهاد شده است که اثر مشترک اثری محسوب شود که توسط دو یا چند «شخص حقیقی» پدید آمده باشد. به موجب این بند، «اثر مشترک اثری است که بدون ابتکار و مدیریت شخص واحد و تنها در نتیجه همفکری خلاق دو یا چند شخص حقیقی در یک زمان و مکان واحد یا متفاوت پدید آمده است به طوری که سهم هر یک به صورت بخش ممزوج شده‌ای از اثر باشد، خواه این سهم مساوی، برجسته، قابل تشخیص یا تفکیک باشد یا نباشد.» شایان ذکر است در بند ۳ ماده ۱ لایحه «حمایت از مالکیت فکری» مصوب ۱۳۹۳/۷/۲ هیئت وزیران تقدیمی به مجلس شورای اسلامی، در مقام تعریف اثر مشترک چنین مقرر شده است: «اثری که در نتیجه همفکری خلاق دو یا چند شخص حقیقی در یک زمان و مکان واحد یا متفاوت پدید آمده است، به طوری که سهم هر یک از شرکا به صورت بخش ممزوج شده‌ای از اثر باشد؛ خواه این سهم، مساوی، قابل تشخیص یا تفکیک باشد یا نباشد.» این تعریف نیز که البته تفاوت‌های مختصر با تعریف پیش گفته دارد، بر لزوم «شخص حقیقی» بودن پدیدآورندگان تأکید کرده است.

به نظر می‌رسد حقوق ایران از این حیث با حقوق فرانسه قرابت بیشتری دارد. در این زمینه علاوه بر دکتترین حقوقی فرانسه (Pollaud-Dulian, 2005, p.33)، بند یک ماده ۲-L113 قانون مالکیت فکری فرانسه، اثری را که در ایجاد آن اشخاص حقیقی متعدد مشارکت داشته‌اند، اثر مشترک دانسته است.

مسئله دیگری که در شناخت اثر مشترک اهمیت دارد، بررسی قابلیت یا عدم قابلیت تفکیک سهم هر یک از مشارکت‌کنندگان در خلق اثر است. با توجه به تعریف اثر مشترک در ماده ۶ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، در حقوق ایران، اثر مشترک منحصر به آثاری است که سهم هر یک از مشارکت‌کنندگان، تفکیک‌نشده باشد. در همین راستا، برخی (میرحسینی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۱) بین واژه‌های «پدیدآورنده مشترک»^۱ و «پدیدآورنده همکار»^۲ تفاوت قائل شده‌اند. به

1. Co-author
2. Joint author

تعبیر ایشان، هنگامی شخصی پدیدآورنده مشترک به‌شمار می‌آید که سهم او از سهم سایر پدیدآوردگان تفکیک‌نشده باشد. در حالی که درباره پدیدآوردگان همکار، سهم هر یک از ایشان تفکیک‌شدنی و متمایز است.

به اعتقاد برخی (زرکلام، ۱۳۸۸، ص ۹۸) این روش قانون‌گذار ایران که با رویکرد حقوق آمریکا متفاوت است، موجب خروج بعضی از آثار، مانند آثار سینمایی، موسیقایی و چندرسانه‌ای از قلمرو آثار مشترک می‌شود. البته در تشخیص و تعیین آثار انفکاک‌شدنی یا انفکاک‌نشده اختلاف نظرهایی به چشم می‌خورد. برای نمونه، برخی (آیتی، ۱۳۷۵، ص ۹۸؛ میرحسینی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۱) اثر سینمایی را متشکل از اجزای انفکاک‌نشده دانسته، و برخلاف نظر نویسنده پیش‌گفته، آن را اثر مشترک تلقی کرده‌اند.

مقایسه اثر مشترک با مفاهیم مشابه

اثری که در تهیه و تألیف آن چند نفر نقش ایفا می‌کنند، ضرورتاً اثر مشترک محسوب نمی‌شود. بلکه آثار دیگری نیز وجود دارد که به لحاظ دخالت اشخاص متعدد و سهم‌بودن ایشان در خلق اثر با اثر مشترک مقایسه‌شدنی هستند. در این زمینه و به‌منظور جلوگیری از خلط مفاهیم مختلف، از سویی، باید اثر مشترک را از اثر جمعی متمایز کرد و از سوی دیگر، می‌توان اثر مشترک را با اثر اشتقاقی مقایسه کرد.

اثر جمعی

مطابق با ماده ۱۰۱-۱۷ قانون کپی‌رایت آمریکا، اثر جمعی^۱ اثری است که از گردآوری بخش‌های مختلفی پدید آمده باشد و بخش‌های مزبور خود آثار مستقل و جداگانه‌ای محسوب شوند. مجلات، کتب منتخب آثار ادبی و دایره‌المعارف‌ها از این قسم‌اند. در واقع، آثار جمعی از آناری که سابقاً موجود بوده است، بدون اینکه چیزی بر آن افزوده شود، تشکیل می‌شوند.

1. Collective work

در حقوق آمریکا اثر جمعی، زیرمجموعه اثر تلفیقی^۱ محسوب می‌شود. ماده مزبور در ادامه، اثر تلفیقی را تعریف کرده است. براساس تعریف بیان‌شده در ماده یادشده، جمع‌آوری و گردآوری آثار متعددی که سابقاً وجود داشته به‌طوری که منتج به اثر اصیلی از نظر کپی‌رایت شود، باعث پیدایش «اثر تلفیقی» می‌شود.

اثر تلفیقی که شامل اثر جمعی نیز است، به دو دسته تقسیم می‌شود. در یک دسته از آثار تلفیقی، اثر از گردآوری اطلاعات و حقایق پدید می‌آید که به‌طور مستقل حمایت‌شدنی نیستند. کتاب حاوی نام‌ها، آدرس‌ها، شماره تلفن‌ها و جز آن از این قبیلند. در دسته دوم آثاری مانند مجلات و کتب شامل داستانک‌های متعدد، از گردهم‌آمدن مطالب و آثار حمایت‌شدنی شکل می‌گیرند. قسم اخیر، همان اثر جمعی است. بنابراین، حقوق آمریکا از دایره‌المعارف‌ها، متشکل از هر نوع مطالب، حمایت می‌کند و تفاوتی بین مطالب ادبی، هنری و حتی اطلاعات محض از این نظر قائل نمی‌شود (Stamatoudi, 2003, p.73). در حالی که در بند ۵ ماده ۲ کنوانسیون برن، فقط مجموعه‌هایی حمایت‌شدنی‌اند که از گردآوری نوشته‌های ادبی یا هنری تشکیل شده باشند.

در حقوق ایران، قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، اشاره صریحی به اثر جمعی نکرده است. برخی حقوق‌دانان سعی کرده‌اند با بیان تعریفی، این خلأ قانونی را پر کنند. به اعتقاد ایشان، اثر جمعی اثری است که «با همکاری چند مؤلف و به ابتکار و سازماندهی یک شخص حقیقی یا حقوقی منتشر می‌شود» (محمّدزاده و ادقانی، ۱۳۸۷، ص ۳۲۷). در برخی منابع نیز اثر جمعی چنین تعریف شده است: «اثر جمعی اثری است که با هم‌فکری دو یا چند شخص حقیقی به ابتکار و با مدیریت و ویرایش شخص حقیقی یا حقوقی پدید آمده باشد و سهم هر یک از همکاران به‌گونه‌ای در اثر نهایی ادغام شده باشد که نتوان حق جداگانه‌ای را برای آنان در آن اثر در نظر گرفت ... مانند دایره‌المعارف، کتاب لغت، نشریه ادواری و روزنامه» (شیری، ۱۳۸۹، ص ۱۵).

1. Compilation

این اثر با عنوان «تدوین آثار» نیز ترجمه شده است، رک. میرحسینی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۸.

برای تشخیص اثر مزبور از اثر مشترک، معیارهایی مطرح شده است. به اعتقاد برخی، در اثر جمعی، مجموعه آثار پدیدآورندگان مختلف، تحت مدیریت واحدند. این مدیریت در طول پدیدآورندگان قرار می‌گیرد، یعنی پدیدآورندگان تحت تبعیت از این مدیریت قرار خواهند گرفت، در حالی که در اثر مشترک، طرفین با داشتن قصدی مشترک، در عرض هم هستند (محمدزاده وادقانی، ۱۳۸۷، ص ۳۲۸). همچنین، برخی معتقدند هرگاه کار هر یک از پدیدآورندگان، مستقل و متمایز از هم باشد، اثر جمعی خواهد بود (امامی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۴۱).

اثر اشتقاقی

مطابق با ماده ۱۰۱-۱۷ قانون کپی‌رایت آمریکا، اثر اشتقاقی^۱ بر پایه یک یا چند اثری که سابقاً موجود بوده است، خلق می‌شود. ترجمه کتاب، تنظیم آهنگ و ساختن نمایش بر اساس یک داستان از این قبیل است.

برخی در مقام مقایسه اثر تلفیقی و اثر اشتقاقی، معتقدند که این دو اثر از این نظر که هر دو بر مبنای اثر سابق خلق شده‌اند، تشابه دارند. اما از این نظر متفاوتند که اثر تلفیقی در صدد گردهم‌آوردن، منظم کردن و سامان دادن آثار موجود استف بی‌توجه به اینکه آیا آن آثار قابلیت حمایت از جنبه کپی‌رایت را دارد یا خیر. اما اثر اشتقاقی در صدد اقتباس، یا تغییر شکل اثر موجودی است که آن اثر به‌خودی‌خود قابلیت حمایت دارد (Stamatoudi, 2003, Hollar, 2002). (p.48;

برخی نویسندگان (شیری، ۱۳۸۹، ص ۱۵)، نیز در مقام تعریف «اثر اشتقاقی»، آن را «اثری برگرفته از یک یا چند اثر موجود ... از قبیل اثر ترجمه‌ای، اثر موسیقایی اقتباسی، فیلم‌نامه یا نمایش‌نامه اقتباس شده از داستان، تلخیص، چکیده یا شرح اثر، اثر ویرایش شده و یا تصحیح شده، اثر ترکیبی» دانسته‌اند.

1. Derivative work

در زمینه آثار اشتقاقی در مقررات داخلی حکم صریحی وجود ندارد. با این حال، از سویی در قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲، از مترجم و اثر ترجمه‌ای او حمایت می‌شود. از سوی دیگر، ماده ۵ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان موارد جواز انتقال حقوق مادی اثر توسط مؤلف را بیان کرده است. بند ۷ این ماده به پدیدآورنده اختیار داده است که اجازه «... به کار بردن اثر در فراهم کردن یا پدیدآوردن اثرهای دیگری که در ماده دوم این قانون درج شده است...» را صادر کند. ملاحظه می‌شود قانون‌گذار تلویحاً اثر اشتقاقی را حمایت کرده است.

بنابراین، باید گفت اثر اشتقاقی از این رو که با همکاری چند شخص پدید می‌آید و حاصل کار دو یا چند پدیدآورنده است، به اثر مشترک شباهت دارد. با این همه، اثر اشتقاقی از جهاتی با اثر مشترک متفاوت است. زیرا اثر اشتقاقی بر پایه اثری که سابقاً خلق شده است، ایجاد می‌شود. به علاوه بر خلاف اثر اشتقاقی، درباره اثر مشترک قصد دوجانبه پدیدآورندگان در هنگام خلق هر جزء از اثر لازم است.

البته گفتنی است که اگر پدیدآورنده اثر سابق در اثر جدید همکاری کند، اثر به وجودآمده از سویی اثر اشتقاقی است، و از سوی دیگر، اشتقاقی بودن آن مانع مشترک تلقی شدن آن نمی‌شود (محمدزاده وادقانی، ۱۳۸۷، ص ۳۲۶).

شرایط تحقق اثر مشترک

در حقوق ایران و آمریکا پیدایش یک اثر مشترک منوط به تحقق شرایطی است. در این میان، از سویی، وجود مشارکت در خلق اثر ضروری است. از سوی دیگر، باید نحوه مشارکت در خلق اثر قابل حمایت باشد. همچنین، در مواردی به لزوم قصد مشارکت نیز اشاره شده است. در ادامه، شرایط مزبور در دو نظام حقوقی ایران و آمریکا بررسی خواهد شد.

لزوم مشارکت در خلق اثر

توجه به عنوان «اثر مشترک»، به وضوح شرط لزوم وجود مشارکت بین پدیدآورندگان را نشان می‌دهد. ولی مسئله این است که از سویی، آیا مشارکت، باید طوری باشد که شرکا به طور فیزیکی

در کنار هم روی اثر کار کنند، یا با وجود بعد مکانی آن‌ها، باز هم مشارکت تحقق می‌یابد؟ از سوی دیگر، باید دید، آیا باید مشارکت در خلق اثر در زمان واحد انجام گیرد؟ پاسخی که اکثر حقوق‌دانان و رویه قضایی آمریکا به پرسش نخست داده‌اند، این است که لزومی ندارد پدیدآورندگان به صورت فیزیکی در کنار هم روی اثر کار کنند. البته همکاری فیزیکی اماره‌ای بر وجود قصد مشارکت تلقی می‌شود (Margoni & Perry, 2012, p.10). در رویه قضایی، وقتی همکاری فیزیکی وجود نداشته باشد و پدیدآورنده به قصد مشارکت نیز تصریحی نکرده باشد، بسته به نظر دادگاه است که درباره وضعیت اثر او چه تصمیمی بگیرد (Hoffman, n.d.).

درباره پرسش دوم، به موجب قاعده‌ای که از اوایل قرن بیستم در تصمیم‌های دادگاه‌های آمریکا شکل گرفت، یک اثر برای آنکه مشترک محسوب شود، باید طرح مشترک^۱ داشته باشد. با توجه به این قاعده، وحدت زمانی شرط لازم برای تحقق مشارکت نیست. برای مثال، وقتی چند نفر برای یک نمایش اپرا، اثری را تهیه کردند، با اینکه نمایش‌نامه قبل از شعر و موسیقی خلق شده بود، ولی چون طرح و هدف آن‌ها مشترک بود، دادگاه آن اثر را مشترک محسوب کرد (Cary, 1958, p.90). دادگاه تجدیدنظر حکم مزبور را تأیید، و اضافه کرد: «لازم نیست حتماً اجرای کار را بتوان به صورت مساوی تقسیم کرد. تا وقتی که طرح کلی و ساختار آن مورد توافق باشد، طرفین می‌توانند قسمت خود را جدا کنند و بر روی آن کار نمایند» (Cary, 1958, p.91). گفتنی است در یک اثر مشترک، نباید میزان کار و تأثیر هر یک از پدیدآورندگان چه از نظر کمیت و چه از نظر کیفیت، مساوی باشد (German & Gemmill, 2006, p.70).

در حقوق ایران، در ماده ۶ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، بیان شده است که اثر مشترک، اثری است که با «همکاری» دو یا چند نفر به وجود آمده باشد. ماده ۱۱ آیین‌نامه اجرایی مواد ۲ و ۱۷ قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه‌ای نیز در توضیح نرم‌افزار

1. Common design

مشترک، واژه «مشارکت» چند تن را برای ایجاد یک نرم‌افزار به‌کار گرفته است. پس ملاحظه می‌شود که لزوم مشارکت، با تعریف اثر مشترک عجین شده است. به‌علاوه، اشخاص برای این مشارکت باید در عرض هم باشند، نه اینکه رابطه بین آن‌ها جنبه تبعیت و فرمانبری داشته باشد (محمدزاده وادقانی، ۱۳۸۷، ص ۳۳۷). در همین ارتباط، بند ۱۵ مصوبه مصادیق تخلفات پژوهشی وزارت علوم تحقیقات و فناوری که در تاریخ ۹۳/۱۲/۲۳ به تصویب وزیر محترم رسیده است، از لزوم مشارکت علمی برای صدق عنوان «کارهای نوشتاری مشارکتی» یاد کرده و ذکر «نام کلیه کسانی که در انجام پژوهش، جمع‌آوری داده‌ها و نظیر آن مشارکت علمی داشته‌اند، به‌عنوان مؤلف» را الزامی دانسته است. گفتنی است برخی مصوبات دانشگاهی در ارتباط با مقالات علمی و با دغدغه تعیین چگونگی و میزان مشارکت لازم برای خلق اثر، اشخاصی را نویسنده محسوب کرده است که سه شرط را داشته باشند، نخست، «سهم قابل توجهی در ارائه ایده پژوهشی یا طراحی مطالعه و یا جمع‌آوری داده‌ها و یا تحلیل و تفسیر نتایج پژوهشی داشته باشد». دوم، «در نوشتن پیش‌نویس مقاله و اصل آن، یا مرور نقادانه آنکه منجر به اصلاح محتوای علمی مقاله می‌گردد، نقش داشته باشد»، و سوم، «مقاله نهایی را مطالعه و تأیید کرده باشد». (مصوبه مورخ ۹۱/۱۰/۱۶ هیئت ممیزه دانشگاه فردوسی مشهد).

در پایان، شایان ذکر است وجود مشارکت نیازمند اثبات است. در این زمینه، در برخی نظام‌های حقوقی، مواردی دیده می‌شود که قانون‌گذار درباره برخی آثار فرض مشارکت را درباره گروهی از اشخاص پیش‌بینی کرده است. برای نمونه، درباره فیلم سینمایی، معمولاً نویسنده دیالوگ‌ها و اقتباس‌کننده در جایی که اثری قبلاً وجود داشته، آهنگ‌ساز اعم از اینکه آهنگ باکلام باشد، یا بی‌کلام، و کارگردان را پدیدآورندگان مشترک محسوب می‌کنند. طبیعی است در صورت پیش‌بینی فرض مشارکت مزبور، افراد یادشده به اثبات مشارکت خود نیاز ندارند. البته سایرین در صورت ادعای مشارکت، باید آن را ثابت کنند (کلمبه^۱، ۱۳۸۵، ص ۶۳).

لزوم یا عدم لزوم قابلیت حمایت مستقل از سهم هر یک از پدیدآورندگان

با توجه به لزوم مشارکت پدیدآورندگان متعدد در خلق اثر مشترک، این پرسش مطرح است که آیا برای تحقق اثر مشترک، باید سهم و نقش هر یک از پدیدآورندگان از طریق حقوق ادبی و هنری به طور مستقل قابل حمایت باشد یا خیر؟

در حقوق آمریکا، در پاسخ به این پرسش، رویکرد یکسانی وجود ندارد. برخی حمایت‌شدنی بودن هر سهم را لازم دانسته‌اند. در مقابل، بعضی دادگاه‌ها، صرف ایده یا راهنمایی مداوم را برای شناخته شدن فرد به عنوان پدیدآورنده مشترک، کافی می‌دانند. در کنار دیدگاه‌های مزبور، برخی نیز معتقدند، همین که سهم هر یک از پدیدآورندگان چیزی بیش از حداقل^۱ باشد، کفایت می‌کند (Kugele, 1997, p.809).

در این میان، معیار «لزوم قابلیت حمایت جداگانه» از هر بخش، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. اما گاهی تمایل به معیار «چیزی بیش از حداقل» نیز مشاهده می‌شود. در هر حال، تشخیص و انتخاب ضابطه و معیار مناسب بر عهده دادگاه رسیدگی‌کننده است (Neclerio & Devi, 2011, p.8). در ادامه، رویکردهایی که نزد حقوق دانان و دادگاه‌های آمریکا، مقبولیت بیشتری دارند، بررسی خواهد شد.

الف) لزوم قابلیت حمایت جداگانه از سهم هر یک از پدیدآورندگان

مطابق با این معیار، سهم هر یک از افراد دخیل در خلق اثر باید از نظر حقوق ادبی و هنری، به طور مستقل حمایت‌شدنی باشد. دلیل لزوم قابل حمایت بودن سهم هر یک از پدیدآورندگان، این است که مقررات حقوق ادبی و هنری، از شکل اثر حمایت می‌کند و صرف افکار قابل پشتیبانی نیست.^۲

1. More Than de minis

De minis به این معناست که «قانون به مسائل کوچک و بی‌اهمیت توجه نمی‌کند» در این زمینه، رک. میرحسینی، ۱۳۸۵، ص ۷۵.

۲. برای مطالعه در زمینه حمایت نکردن از ایده صرف، رک. صفایی، ۱۳۸۶، ص ۷۲؛ جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰، ص ۱۶۷-۱۶۸؛ زرکلام، ۱۳۸۷، ص ۳۱؛ انصاری، ۱۳۸۷، ص ۷۴-۷۳؛ انصاری، ۱۳۸۶، ص ۱۴۷؛ کلبه، ۱۳۸۵، ص ۲۷ و ۴۰- Pollaud. Dulian, 2005, p.83

طرفداران این معیار در اثبات برتری آن، استدلال کرده‌اند که از سویی معیار «لزوم قابلیت حمایت» از هر سهم، مفهومی مشخص و قابل شناسایی دارد (Kugele, 1997, p.811).

از سوی دیگر، واژه «پدیدآورنده» ظاهر در شخصی است که خالق یک مورد حمایت‌شدنی از نظر قواعد ادبی و هنری بوده باشد. بنابراین، برای صدق عنوان پدیدآورنده، انجام دادن چیزی که کمی بیش از ایده باشد، کافی نیست (Versteeg, 1979, p.1331). در نتیجه، بخش خلق‌شده توسط هر یک از پدیدآورندگان، باید مضمونی خلاقانه باشد که در قالبی اصیل بیان شده است. برای مثال، هنگامی که یک استاد دانشگاه مقاله‌ای را تهیه می‌کند، اصولاً فرض بر این است که دستیاران او که شامل دانشجویان دخیل در کار هم می‌شود، کسانی که در طرح مقاله یاری کرده‌اند، همچنین، همکارانی که نظریاتی راجع به مقاله داده‌اند، پدیدآورنده مشترک آن مقاله محسوب نمی‌شوند (La France, 2001, pp.233-234). افراد مزبور فقط زمانی صلاحیت دارند که به‌عنوان خالق مشترک مقاله دانشگاهی شناخته شوند که سهم آن‌ها قابلیت حمایت جداگانه را داشته باشد. این رویکرد امروزه بیشتر مورد توجه دادگاه‌ها قرار گرفته است.

این معیار به‌رغم اینکه از اقبال خوبی برخوردار بوده است، از انتقاد نیز مصون نمانده است. مهم‌ترین انتقاد مطرح‌شده به این معیار، نبود پشتوانه قانونی برای آن است. توضیح اینکه نه تنها هیچ نص قانونی در این زمینه وجود ندارد، بلکه در مجموعه مذاکرات مجلس در تصویب قانون کپی‌رایت آمریکا نیز فقط درباره اثر جمعی و اثر اشتقاقی به لزوم قابلیت حمایت جداگانه هر بخش اشاره شده است (Kugele, 1997, p.821).

انتقاد دیگری که درباره این نظر مطرح شده، این است که با این رویکرد، دادگاه‌ها عملاً هیچ ارزشی برای ایده قائل نمی‌شوند. در حالی که نمی‌توان انکار کرد که یک ایده خلاق و کارآمد، نقشی مهم در خلق اثر دارد. در پاسخ به انتقاد اخیر گفته شده است که از سویی، ایده خود، از حمایت ادبی و هنری برخوردار نیست. از سوی دیگر، در مشارکت ایده با یک شخص دیگر نیز خصوصیتی وجود ندارد که بتواند ایده را قابل حمایت کند (Kugele, 1997, p.821).

از طرف دیگر، به‌رغم اینکه این معیار باعث تسهیل راه‌های اثباتی می‌شود، درباره دسته‌ای از

آثار مشترک که سهم پدیدآورندگان از یکدیگر تفکیک‌ناشدنی است، قابلیت اعمال ندارد (Perkins Spyke, 1993, p.35). توضیح اینکه این معیار به راحتی در اثر مشترک وابسته به هم، قابل استفاده است. اما وقتی اثر مشترک متشکل از بخش‌های انفکاک‌نشده باشد، تصور اینکه بتوان از هر سهم به طور جداگانه حمایت کرد، دشوار و در نتیجه معیار مزبور ناکارآمد است (Perkins Spyke, 1993, p.35).

در حقوق ایران، با توجه به سکوت قانون در این زمینه، دلیلی بر پذیرش معیار مزبور وجود ندارد. به علاوه، رویکرد مزبور در دکترین حقوقی مورد پذیرش قرار نگرفته است و با فهم عرفی از مفهوم اثر مشترک نیز سازگار نیست.

ب) سهم‌بودن در خلق اثر به صورت «چیزی بیش از حداقل»

برخی معتقدند باید سهم هر یک از پدیدآورندگان «چیزی بیش از حداقل» باشد. برای توضیح این عبارت باید گفت اگر سهم یک پدیدآورنده چیزی بیش از ایده و پیشنهاد باشد، کافی است برای اینکه یک نفر به عنوان شریک اثر شناخته شود (German & Margoni & Perry, 2012, p.13; Gemmill, 2006, p.70). بنابراین، لزومی ندارد هر سهم از نظر حقوق ادبی و هنری به طور جداگانه حمایت‌شدنی باشد.

همچنین، برای تأیید معیار مورد بررسی، به قسمتی از ماده ۱۰۱-۱۷ قانون کپی‌رایت آمریکا که در مقام تعریف اثر ادبی و هنری به معنای عام است، استناد شده است. مقررۀ مزبور برای تعریف اثر عبارت «یک اثر ساخته شده است» را به کار گرفته است. به اعتقاد برخی، به کارگیری واژه «ساخته شده است»^۱، نشان می‌دهد که برای صدق عنوان پدیدآورنده، باید شخص مزبور عملی را به روی اثر انجام داده باشد (Versteeg, 1979, p.1331). واژه انگلیسی «Fixed» به معنای «ساخته شدن» قابل اطلاق بر ایده نمی‌باشد.

در تأیید این معیار، دلایلی بیان شده است. از سویی، این معیار مطابق با تلقی عرفی از

1. Fixed

مشارکت در یک اثر است. عرف اصولاً شخصی را پدیدآورنده اثر می‌داند که در حد معقولی به روی اثر کار کرده باشد. از سوی دیگر، معیار مزبور، از نظر رویه قضایی پشتوانه دارد (Perkins & Spyke, 1993, pp.35 & 52). دادگاه‌ها در حل اختلافات مربوط به آثار سینمایی و گاهی درباره سایر آثار به این معیار متوسل شده‌اند (Neclerio & Devi, 2011, p.8). به علاوه، براساس معیار مورد بررسی، به سادگی می‌توان یک اثر را مشترک محسوب کرد و این امر برای حمایت از پدیدآورندگان مناسب‌تر است.

بررسی لزوم یا عدم لزوم قصد مشارکت

به موجب مواد ۱۰۱-۱۷ قانون کپی‌رایت آمریکا، «اثر مشترک اثری است که توسط دو یا چند پدیدآورنده آماده شده، و مقصود ایشان غیرقابل انفکاک بودن اجزای اثر یا وابسته بودن اجزای مزبور به یکدیگر باشد». همان‌طور که از ماده یادشده استنباط می‌شود، برای پیدایش اثر مشترک، پدیدآورندگان آن باید قصد داشته باشند تا سهم هر یک، با سهم دیگری ادغام شده یا سهم هر یک وابسته به سهم دیگر در یک کل واحد تلقی شود.

منتقدان قانون کپی‌رایت کنونی معتقدند قانون‌گذار نباید قصد را به این صورت الزامی در نظر می‌گرفت. به اعتقاد ایشان، از سویی کافی است که همکاری پدیدآورندگان یک اثر، ظهور در آن داشته باشد که آن اثر قرار است به عنوان یک کل واحد شناخته شود. به علاوه، ایشان معتقدند که شرط بودن قصد مشارکت، موجب تحمیل بار سنگین اثبات می‌شود (Brady, 1989, p.266). البته این انتقاد وارد به نظر نمی‌رسد. زیرا همان‌طور که برخی در تفسیر قانون بیان کرده‌اند، منظور از قصد لازم برای خلق اثر مشترک، قصد آشکار^۱ و ظاهری است. این قصد باید به‌طور عینی و ابراز شده باشد. زیرا قصد درونی و ذهنی^۲ زمینه را برای سوءاستفاده باز می‌کند (Margoni & Perry, 2012, p.12). توضیح اینکه ممکن است پدیدآورنده بعد از مدتی برای اینکه اثر را به تنهایی به کار

1. Manifest intention
2. Subjective intent

گیرد، اشتراک در اثر را انکار کند. پس منظور از قصد، نشان دادن هدف ادغام و مشارکت، با عمل است، نه صرف خواست ذهنی و باطنی (Brady, 1989, p.266).

از سوی دیگر، مخالفان لزوم قصد بیان کرده‌اند اثر مشترک، یکی از انواع مال مشترک است و باید از حیث احکام و نتایج، به آن نزدیک باشد و در بحث اموال مشاع مادی، قصد مشارکت هیچ اهمیتی ندارد (Brady, 1989, p.266). به علاوه، برخی حقوق دانان معتقدند شرط لزوم قصد مشارکت، باعث می‌شود بسیاری از آثار از شمول آثار مشترک خارج شود. در واقع، آثاری که بخش‌های مختلف قابل حمایت داشته‌اند و هر یک از بخش‌های آن توسط اشخاص مختلف پدید آمده است، بدون اینکه قصد مشارکت باشد، از شمول آثار مشترک خارج خواهد بود (Margoni & Perry, 2012, p.15).

فارغ از انتقادات وارد بر قانون کپی‌رایت کنونی آمریکا و با توجه به اینکه لزوم وجود قصد در ماده ۱۰۱-۱۷ پذیرفته شده است، پرسش این است که قصد مدنظر باید به چه چیزهایی تعلق بگیرد؟ آیا صرف وجود قصد برای ادغام سهام کافی است، یا پدیدآورندگان باید قصد داشته باشند که به‌عنوان خالق مشترک اثر شناخته شوند؟

در متن قانون به‌روشنی، لزوم قصد ادغام سهام برداشت می‌شود. با این حال، حوزه‌های دوم و هفتم دادگاه تجدیدنظر آمریکا، قصد «شناخته‌شدن به‌عنوان پدیدآورنده مشترک» را هم لازم می‌دانند (Versteeg, 1979, p.1328). در این زمینه آرائی از دادگاه‌های فدرال آمریکا صادر شده است. به‌عنوان نمونه، در پرونده‌ای (Casa Duse LLC vs. Merkin, 2013) مربوط به یک اثر سینمایی، دادگاه استدلال کرد که قصد لازم برای خلق یک اثر مشترک از اوضاع و احوال خاص هر پرونده استنباط می‌شود. در پرونده مزبور با اینکه کارگردان و تهیه‌کننده در پیدایش اثر مشارکت داشتند و روابط استخدامی بین آن دو وجود نداشت، قصد شناخته‌شدن به‌عنوان خالق مشترک از جانب کارگردان، احراز نشد. دادگاه معتقد بود که کارگردان عملاً حق بازنگری و ویرایش فیلم را به تهیه‌کننده سپرده است. او حتی از ملاحظه نسخه نهایی فیلم امتناع کرد. با توجه به قرائن موجود، کارگردان قصد شناخته‌شدن به‌عنوان پدیدآورنده مشترک را نداشته و فقط تهیه‌کننده خالق

واحد اثر محسوب می‌شود. همچنین، در چند پرونده که در آن دولت آمریکا به‌نوعی در پدیدآمدن یک اثر مشارکت داشت، دادگاه دولت را خالق مشترک ندانست. در استدلال دادگاه افزون بر سایر موانعی که در پرونده وجود داشت، عدم احراز قصد شناخته‌شدن به‌عنوان پدیدآورنده مشترک نیز دیده می‌شود.

علاوه بر مطالب پیش‌گفته، قصد مشارکت باید دوجانبه باشد (Merges, 2010). مسئله وجود قصد دوجانبه همیشه به‌سادگی تبیین‌شدنی نیست. فرض کنید چهار نفر در اثری مشارکت داشته باشند. در این میان، فرد «الف»، قصد مشارکت با «ب» و «ج» را داشته است، اما قصد مشارکت با شخص «د» را ندارد. از سوی دیگر، شخص «ب» قصد مشارکت با همه به غیر از «ج» را داشته باشد و به همین صورت، اگر سایر فرض‌های ممکن در این مثال را در نظر بگیریم، این پرسش مطرح می‌شود که در این حالت چه کسانی پدیدآورنده مشترک خواهند بود؟ دادگاه‌های فدرال آمریکا در چنین پرونده‌هایی، سعی می‌کنند تا «پدیدآورنده غالب»^۱ در آن اثر را شناسایی کنند. سپس، با توجه به قصد پدیدآورنده غالب، پدیدآورندگان مشترک را تعیین می‌کنند. زیرا در چنین فرضی قصد مشترک دوجانبه احراز نمی‌شود (La France, 2001, pp.255-256). اما اگر در همین مسئله، دو یا چند نفر به یک میزان نویسنده غالب باشند، قاعده‌ای وجود ندارد که چگونه با توجه به قصد این چند تن، می‌توان پدیدآورندگان مشترک را مشخص کرد.

مسئله دیگر درباره قصد مشارکت این است که ملاک زمانی قصد یادشده چیست؟ برخی از تفسیر قانون به این نتیجه رسیده‌اند که قصد پدیدآورنده در حین تولید اثر اهمیت دارد (Brady, 1989, p.264). در این صورت، حتی اگر یکی از بخش‌ها از سایرین زودتر کامل شود، باز هم هدف قانون محقق شده است (Margoni & Perry, 2012, p.10). رویه قضایی سابق آمریکا که اکنون منسوخ شده است، قصد مشترک دوجانبه را در زمان خلق اثر لازم نمی‌دانست. این رویه فقط معتقد به لزوم وجود قصد در هنگام ادغام سهام بود (Cary, 1958, p.92).

1. Dominant author

همچنین باید توجه داشت که آگاهی و شناخت هریک از پدیدآورندگان اثر مشترک نسبت به یکدیگر لازم نیست. بلکه صرف قصد ادغام سهام خود با سهام دیگری کافی می‌باشد. پس یک شاعر که با قصد ادغام شعر خود با یک قطعه موسیقی کار خود را ادامه می‌دهد، یک پدیدآورنده مشترک خواهد بود، حتی اگر هنوز سازنده قطعه موسیقی را نشناسد (Margoni & Perry, 2012, p.12). قانون‌گذار ایران در ماده ۶ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان نفیاً و اثباتاً اشاره‌ای به لزوم وجود قصد مشارکت نکرده است. اما از سویی، در حقوق ایران، براساس مستنبط از ماده ۶ پیش‌گفته، اثر مشترک از سهام انفکاک‌ناشدنی ساخته می‌شود و نمی‌توان تصور کرد که پدیدآورندگان چنین اثری، قصد مشارکت با هم را نداشته باشند. از سوی دیگر، هر چند برای ایجاد شرکت در اموال مادی قصد لازم نیست و شرکت ممکن است به‌طور قهری ایجاد شود، آثار ادبی و هنری ماهیت ویژه‌ای دارند. به همین دلیل، نمی‌توان برای عدم لزوم قصد مشارکت به قواعد کلی مال مشاع استناد کرد. بنابراین، در حقوق ایران نیز قصد مشارکت لازم است. لیکن قصد «شناخته‌شدن به عنوان پدیدآورنده مشترک» اهمیت ندارد، در هر حال و به صرف همکاری دو یا چند پدیدآورنده در ایجاد اثر به نحوی که کار آنان جدا و متمایز نباشد، اثر مشترک تحقق می‌یابد.

در زمینه زمان قصد مشارکت، به نظر می‌رسد در حقوق ایران قصد مشارکت باید در زمان ایجاد اثر وجود داشته باشد. این برداشت از عبارت «همکاری دو یا چند پدیدآورنده» در ماده ۶ قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان استنباط‌شده است. تعبیر «همکاری» پدیدآورندگان که نوعی فعل آگاهانه است، نشان می‌دهد در حقوق ایران قصد دوجانبه پدیدآورندگان در خلق اثر مشترک ضروری است. البته دلیلی بر لزوم شناخت هر یک از پدیدآورندگان مشترک از پدیدآورنده دیگر وجود ندارد، هر چند به‌طور معمول پدیدآورندگان از هویت یکدیگر شناخت دارند.

نتیجه

در زمینه مفهوم اثر مشترک، میان دو نظام حقوقی ایران و آمریکا تفاوت‌هایی وجود دارد. در حقوق

ایران فقط آثاری مشترکند که سهام هر یک از پدیدآورندگان در اثر به‌طور تفکیک‌نشده منتشر شده باشد. در حالی که در حقوق آمریکا علاوه بر آثار مزبور، آثاری که سهام پدیدآورندگان قابل تفکیک از یکدیگر بوده، ولی اجزای اثر وابسته به یکدیگر باشد، نیز به شرط داشتن قصد مشارکت، جزء آثار مشترک محسوب می‌شوند. البته در هر دو نظام حقوقی، میزان مشارکت باید فراتر از ایده و پیشنهاد صرف باشد، به‌طوری که بتوان خلق اثر را عرفاً به همه پدیدآورندگان منتسب کرد. اثر مشترک با اثر جمعی و اثر اشتقاقی متفاوت است. در اثر جمعی به‌رغم دخالت پدیدآورندگان متعدد در خلق اثر، مجموعه آثار پدیدآورندگان مختلف، تحت مدیریت واحد قرار دارند. تفاوت اثر مشترک با اثر اشتقاقی نیز در این است که اثر اشتقاقی بر پایه اثری که سابقاً خلق شده است، ایجاد می‌شود. به‌علاوه، در اثر مشترک، قصد دوجانبه پدیدآورندگان در هنگام خلق هر جزء از اثر لازم است.

در زمینه شرایط تحقق اثر مشترک، در هر دو نظام حقوقی، لزوم مشارکت در خلق اثر امری مسلم است. البته در یک اثر مشترک، نباید میزان کار و تأثیر هر یک از پدیدآورندگان، از نظر کمیت و کیفیت، مساوی باشد. در زمینه اینکه آیا باید سهم هر یک از پدیدآورندگان قابلیت حمایت مستقل داشته باشد، یا خیر، در حقوق آمریکا اختلاف نظر وجود دارد. البته در این میان، لزوم قابلیت حمایت جداگانه از هر بخش، بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. برعکس در حقوق ایران قابلیت حمایت جداگانه از هر بخش به‌عنوان شرط تحقق اثر مشترک، پشتوانه قانونی و استدلالی ندارد. بلکه صدق عنوان عرفی پدیدآورنده به هر یک از شرکای اثر مشترک اهمیت دارد. علاوه بر این، در حقوق آمریکا وجود قصد دوجانبه مشارکت در زمان خلق اثر شرط لازم برای تحقق اثر مشترک است. به‌موجب برخی آرای قضایی، قصد «شناخته‌شدن به‌عنوان پدیدآورنده مشترک» نیز لازم است. شرط قصد مشترک در متون قانونی ایران مورد تصریح قرار نگرفته است. با این همه، از آنجا که در حقوق ایران اثر مشترک از سهام انفکاک‌ناشدنی ساخته می‌شود، نمی‌توان تصور کرد که پدیدآورندگان چنین اثری، قصد مشارکت با هم را نداشته باشند.

منابع و مأخذ

۱. امامی، اسدالله (۱۳۸۶). *حقوق مالکیت معنوی*. چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۲. انصاری، باقر (۱۳۸۶). شرایط اثر قابل حمایت در نظام مالکیت‌های ادبی و هنری (کپی رایت). *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۴۵، صفحات ۹۷-۱۵۱.
۳. انصاری، باقر (۱۳۸۷). *سازوکارهای حقوقی حمایت از تولید علم (حقوق پژوهش)*. چاپ اول، تهران: سمت.
۴. آیتی، حمید (۱۳۷۵). *حقوق آفرینش‌های فکری*. چاپ اول، تهران: نشر حقوق‌دان.
۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۰). *حقوق اموال*. چاپ پنجم، تهران: گنج دانش.
۶. زرکلام، ستار (۱۳۸۸). *حقوق مالکیت ادبی و هنری*. چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
۷. شبیری، سید حسن و همکاران، (۱۳۸۹). *پیش‌نویس لایحه قانون جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط*. تهران: دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی.
۸. صفایی، سید حسین (۱۳۸۶). *حقوق مدنی و حقوق تطبیقی*. چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
۹. کلمبه، کلود (۱۳۸۵). *اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور در جهان*. ترجمه و توضیح علیرضا محمدزاده وادقانی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۱۰. محمدزاده وادقانی، علیرضا (۱۳۸۷). *تأملی در آثار مشترک و جمعی در حقوق مالکیت فکری*. فصل‌نامه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۲، صفحات ۳۲۵-۳۳۸.
۱۱. میرحسینی، سید حسن (۱۳۸۵). *فرهنگ حقوق مالکیت معنوی حقوق مالکیت ادبی و هنری*. چاپ اول، تهران: نشر میزان.
12. Brady, T.M. (1989). Manifest intent and copyright: the destiny of joint authorship. *Fordham Urban Law Journal*, 17(3), 275- 301.
13. Cary, G.D. (1958). *Copyright law revision, comments and views submitted to the copyright office*, study no.12, U.S: senate.
14. German, R.A. & Gemmill, K.W. (2006). *Copyright law*. Second Edition, Washington: Federal Judicial Center Publication.

15. Hoffman, I. (last visited: 10/02/2015). *The Letter of Intent*, Retrieved in: www.ivanhoffman.com/jointauthors.html.
16. Hollar, L.A. (2002). *Legal protection of digital information*. Chapter1: An overview of Copyright, Retrieved in: www.digital-law-online.info/lpdi1.0/treatise6.html last visited 02/02/2015)
17. Johnson, E.S. (2010). Avoiding Joint Pain: Treatment of Joint Works of Authorship Conditions. *Maryland Bar Journal Maryland State Bar Association*, Volume XLIII Number 3. Retrieved in: <http://www.ober.com/publications/291-avoiding-joint-pain-treatment-joint-works-authorship-conditions> (last visited: 21/02/2015)
18. Kugele, N.F. (1991). *How much does it take? copyrightability as a minimum standard for determining joint authorship*, *University of Illinois Law Review*, 809-827.
19. La France, M. (2001). Authorship, dominance and the captive collaborator: preserving the rights of joint authors. *Emory Law Journal*, 50, 193-264.
20. Lape Laura, G. (1997). A narrow view of creative cooperation: the current state of joint work doctrine. *Albany Law Review*, 61, 43-84.
21. Margoni, T. & Perry, M. (2012). Ownership in complex authorship: joint works in Italy and the United States of America. *European Intellectual Property Review*, 34(1), 22-32.
22. Merges, R.P. (2010). *Joint works, collective works, and duration, intro to intellectual property law*. Berkeley Law University of California, Student note, Retrieved in: www.law.berkeley.edu/files/bclt_2-13-12_Joint_Works_Collective_Works_and_Duration.ppt (Last visited: 20/02/2015)
23. Neclerio J.M. & Devi, U. (2011), *Joint ownership of patent, copyright and trade secret in the united state*, Duane Morris LLP.
24. Perkins Spyke, N. (1993). The joint work dilemma: the separately copyrightable contribution, *University of Miami Entertainment and Sport Law Review*, 31, 31-61.
25. Pollaud-Dulian, F. (2005). *Le droit d'auteur*. Paris: Economaca.
26. Siefarth, C. (1986). *Motion pictures in American and international copyright law*. Thesis University of Georgia School of Law.
27. Stamatoudi, I.A. (2003). *Copyright and multimedia products: a comparative analysis*. New York: Cambridge University Press.
28. Versteeg, R. (1979). Defining "author" for purposes of copyright. *The American University Law Review*, 45, 1323-1366.